

## فرگشت (تکامل) رفع نارسایی‌ها و بهینه‌سازی نظریه پایه ور

ایرج ملک محمدی

استاد گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران

### چکیده

شناخت و آگاهی از پدیده‌های جهان هستی یکی از شیوه‌های کسب دانش است که از دیدگاه ماهیت‌شناسی، از راه تحقیق با دیدمان کیفی فراهم می‌شود. استفاده از دیدمان کیفی در تحقیق، باید‌ها و نباید‌های ویژه‌ای دارد که متضمن شناخت درست، آگاهی درست و ارزش درست معرفت به دست آمده هستند و با توجه به آن‌ها می‌توان دست‌آورد‌های ارزشمند و قابل‌اتکایی را در دنیای علم و فناوری فراهم کرد. تحقیق با دیدمان کیفی به شرط تشخیص و انجام درست روش تحقیق مورد نیاز، از جمله نظریه پایه ور (بنیانی)، از ارزش بالایی برخوردارست و یافته‌های آن می‌توانند پایه‌ی استواری برای مرحله تکمیلی تحقیق یعنی تحقیق با دیدمان کمی فراهم کنند. نارسایی در روش‌های شناخت‌شناسی، بود‌شناسی، روش‌شناسی و روش‌ها، یا استفاده نادرست و نابه‌جا از آن‌ها سبب دست‌آورد‌هایی نامعتبر و ناموجه هستند. یکی از این روش‌های شناخت‌شناسی روش نظریه پایه ور (بنیانی) است که هم نارسایی در روش و هم نادرستی در استفاده از آن سبب نگارش این نگاشته برای آگاهی‌محققانی شد که از روش نظریه پایه ور در تحقیق کیفی استفاده می‌کنند. بررسی مقاله‌های تحقیقات کیفی پرشماری که در آن‌ها از روش نظریه پایه ور، به شکلی که تا کنون در منبع‌های مربوط به آن آمده و استخراج نارسایی‌های این مقاله‌ها، سبب شد تا با رویکردی فراگشتی (تحولی) و تفسیر گری یا سفرنگ‌گری انتقادی متون تخصصی نظریه پایه ور بررسی شوند و با روش تحلیلی در نتیجه، ده مورد راهکارهای تکمیلی برای رفع نارسایی‌ها و بهینه‌سازی این روش نظریه‌ای (که به شکل تجربی نیز در اصلاح مقاله‌های مزبور تجربه شده‌اند) معرفی شوند. این نارسایی‌ها که تا کنون به هیچ‌یک از آن‌ها به هر سببی، در ادبیات این نظریه حتی اشاره هم نشده عبارتند از: معرفی دقیق خبرگان و صاحب‌نظران موضوعی، موقعیت استفاده از خبرگان و صاحب‌نظران، مناسبت روش و ابزار داده‌گیری، استفاده از توافق‌سنجی خبرگانی، نشان (کد) گذاری متناسب با گونه‌ی روش نظریه پایه، شیوه درست پردازش داده‌ها، دست‌یابی به آستانه سودمندی، تدوین مدل نظری، همگانشی (اجماع) کردن یافته‌های تحقیق، و ساخت نظریه. بررسی مقاله‌های نگاشته شده با روش نظریه پایه ور نشان می‌دهد که نماد گذاری‌ها همگی به روش ویراست فراگشته‌ی این نظریه به ترتیب؛ باز، محوری و انتخابی بوده‌اند در حالی که همه‌ی نگارندگان مقاله‌های مزبور با استناد به گلیسر و استراوس که پدیدآورندگان ویراست سنتی هستند از این روش استفاده کرده‌اند. از این رو به نظر می‌رسد که آگاهی لازم از شرایط استفاده از این روش و شیوه‌های نماد گذاری مناسب هر یک از ویراست‌های آن به درستی وجود ندارد که در نتیجه هم از ویراست قدیمی برای تحقیق استفاده می‌شود و هم شیوه‌ی نماد گذاری به روز (مطابق ویراست‌ساختارمند) نیست. در نتیجه نظریه‌ای که استخراج می‌شود اعتبار لازم را ندارد گو این که این گونه مقاله‌ها در برخی مجله‌های علمی بدون توجه به این نارسایی‌ها منتشر می‌شوند.

نمایه واژگان: نظریه پایه ور (بنیانی)، کد گذاری، نماد گذاری، تولید نظریه، آستانه سودمندی.

نویسنده مسئول: ایرج ملک محمدی

رایانامه: amalek@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۳۱

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱

## مقدمه

از دیدگاه چلسکی و ولف میایر (۲۰۱۵)، بود یا هست شناسی (چه؟) انتولوژی، شناخت شناسی (چگونه؟) اپیستمولوژی، و ارزش شناسی (چرا؟) اوکسیولوژی، سه مفهوم فلسفی و از دیدگاه اجی (۲۰۲۱)، سه مفهوم در هم تنیده به شکل زیر در فلسفه برای استدلال دانشی هستند که در این ترکیب مرتبه ای، نخست شناخت شناسی، دانش و آگاهی فراهم می آورد و هست شناسی، بودن آن را تایید می کند و بالاخره ارزش شناسی، ارزش اخلاقی این دانش را در درست یا غلط بودن بررسی می کند.

از دیدگاه شناخت شناسی، سه عنصر در همه‌ی شناخت بشر وجود دارند؛ داننده، دانسته، و دانش. یا به عبارتی؛ عالم، معلوم و علم. بی تجزیه و تحلیل این عنصرها و آشکار سازی گونه‌ها و نمودهای آن‌ها و بررسی هر یک و پی بردن به ماهیت و نقش هر یک، نمی‌توان «نظریه» ای را به معنای درست آن برای «شناخت بشری» سامان داد. نظریه شناخت به معنای یک بررسی کامل و فراگیر در تحلیل و تفسیر و ارزیابی «عالم، علم و معلوم» است.

شناخت شناسی یکی از مهم‌ترین شاخه‌های فلسفه است. تا جایی که بسیاری آن را در کانون فلسفه معاصر دانسته‌اند؛ این دانش که به نام اپیستمولوژی شناخته می‌شود، درصدد است تا بگوید آیا شناخت حاصل شدنی است؟ شناخت چیست؟ شرایط دانستن کدامند؟ با چه منبع‌ها و ابزارهایی باید به آن برسیم؟ این‌ها و ده‌ها پرسش دیگر، پاسخ خود را فقط از دانش طلب می‌کنند. (نظارتی زاده، ۱۳۹۱).

لیوی (۲۰۱۴)، در باره تحقیق شناخت شناسی با استناد به پدروتو (۲۰۰۵) و گوبا و لینکلن (۲۰۰۸) می‌نگارد که:

شناخت شناسی مطالعه فرایند دانستن یا چگونگی دانستن آن چیز است که می‌دانیم. شناخت شناسی در باره‌ی شیوه‌ی کسب دانش در باره‌ی هر آنچه هست و رابطه بین دانایان (پژوهشگران) و جهان است.

یکی دیگر از مهم‌ترین شاخه‌های فلسفه علم، روش شناسی یا متدولوژی است که راه و رسم و وسیله وسازو کار و چگونگی دست یابی به آگاهی از بودن و شناخت است. در واقع، مکتب‌های فلسفی هر یک راه و رسم و روشی هستند که برای درک واقعیت بر پا شده‌اند. از جمله واقع گرای که راه و رسم دست یابی به واقعیت را جهان بیرون از فکر و اندیش انسان و مملو از پدیده‌هایی غیر قابل انکار می‌داند که باید برای شناخت هر یک از آن‌ها از آثارشان استفاده کرد تا از معلول به علت رسید. یا طبیعت‌گرایان که طبیعت را میدان و عرصه درک واقعیت‌ها می‌دانند و از آن چه که در طبیعت اتفاق می‌افتد برای درک واقعیت استفاده می‌کنند. همین گونه است مکتب تجربه‌گرایی که صرفاً با تکیه و استفاده از تجربه و آزمایش می‌توان به حقیقت دست یافت و بسیاری دیگر مانند این‌ها.

شناخت و آگاهی از پدیده‌های جهان هستی یکی از شیوه‌های کسب دانش است که از دیدگاه ماهیت شناسی، از راه تحقیق با دیدمان کیفی فراهم می‌شود. استفاده از دیدمان کیفی در تحقیق، باید‌ها و نباید‌های ویژه‌ای دارد که متضمن شناخت درست، آگاهی درست و ارزش درست معرفت به دست آمده هستند و با توجه به آن‌ها می‌توان دست آورده‌های ارزشمند و قابل اتکایی را در دنیای علم و فناوری فراهم کرد. تحقیق با دیدمان کیفی به شرط تشخیص و انجام درست روش تحقیق مورد نیاز، از جمله نظریه پایه و (بنیانی)، از ارزش بالایی برخوردار است و یافته‌های آن می‌توانند پایه‌ی استواری برای مرحله تکمیلی تحقیق یعنی تحقیق با دیدمان کمی فراهم کنند. افلاطون در شناخت که به تعریف سنتی شناخت معروف است، معرفت را باور صادقی می‌داند که موجه باشد (نظارتی زاده، ۱۳۹۱). موجه بودن به معنای قابل دفاع عقلی و منطقی بر پایه‌ی گواه و سند معتبر است.

نارسایی در روش‌های شناخت شناسی، بود شناسی، روش شناسی و روش‌ها، یا استفاده نادرست و نابه‌جا از

واژه‌ی "داده"، نام "داده ور"، برای این روش تحقیق کیفی گزیده شد. اما، چون در ادبیات اصلی این نظریه به نام *Grounded Theory* آمده، زین پس در این نوشتار نیز پایه ور (برای نام) و داده ور (برای تعریف)، گفته می‌شود.

نظریه پایه ور از وصلت دو سنت رو در رو و رقیب، یعنی "جامعه شناختی" (چنان که به وسیله هر یک از بنیان گزاران آن از دانشگاه پوزیتویزم کلمبیا رایج شده) و "دعوت به نظریه بنیانی" مدرسه عمل گرایان و تحقیق میدانی شیکاگو پدید آمده است. این نظریه که در سال ۱۹۶۷ توسط گلیسرو شتراوس ارائه شد، (چارمز، ۲۰۱۴ و برینات، در لی وی، ۲۰۲۰)، از این جهت معروف شد که برای نخستین بار راهبردهای نام مند برای دست یابی به وفاق یا هم‌رایی در تحقیقات کیفی را ارائه داد. شتراوس با ارائه رهنمودهای عملی در واقع نقد مبحث شناخت شناسی شد. شتراوس و گلیسر با ارائه تحلیل کیفی که منطق خود را در بر داشت و میتوانستند به وسیله آن به تولید نظریه پردازند. از نظر این دو اجزای نظریه بنیانی یا پایه ور عبارتند از:

- ۱- دخیل بودن همزمان در گرد آوری و تحلیل داده ها
- ۲- ساخت نشان‌های تحلیلی و دسته بندی داده‌ها نه از تفکرات پیش شاخه استقرایی از فرضیه ها
- ۳- استفاده از روش مقایسه ثابت که مقایسه‌ها را در خلال هر مرحله از تحلیل فراهم می کند
- ۴- پیشبرد تولید نظریه در هر مرحله از گرد آوری و تحلیل داده‌ها (چارمز، ۲۰۱۴)

چارمز و همکاران، در کتاب راهنمای تحقیق کیفی از دانزین و لینکلن (۲۰۱۸)، در باره نظریه پایه ور می‌نگارند که این رهیافت تحقیق کیفی با داده‌های استقرایی و گرد آوری و تحلیل همزمان داده‌ها، متکی به روش‌های قیاسی است و به شکل انحصاری بر تحلیل وساخت نظریه متمرکز است، فراهم آورنده ابزار مطالعه‌ی کنش و فرایند آنست و حاوی راهبردهای توسعه، بررسی و

آن‌ها سبب دست آورد هایی نا معتبر و نا موجه هستند. یکی از این روش‌های شناخت روش نظریه پایه ور (بنیانی) است که هم نارسایی در روش و هم نادرستی در استفاده از آن سبب نگارش این نگاه‌شسته برای آگاهی محققانی شد که از روش نظریه پایه ور در تحقیق کیفی استفاده می‌کنند.

با توجه به نظر برینات (در لی وی، ۲۰۲۰)، که به درستی هم مطرح کرده، *Grounded Theory*، واژه‌ی گمراه کننده ایست، چرا که برخلاف برداشت نادرست متعارف موجود، متکی به نظریه‌ای نیست، بلکه در جهت آسانگری تولید نظریه جدید است. به این معنا که نظریه پایه ور یک نظریه علمی برای آزمون کردن نیست بلکه، ساز و کاری برای تولید نظریه جدید بر پایه داده کاویست. داده‌هایی کمی و یا کیفی که پالایش شده، نماد شده، و در نهایت معیار شده و با روش‌های در خور آماری به اجماع رسیده و شالوده یک نظریه علمی همگانشی (تعمیم پذیر) را تشکیل دهند. داده کاوی نیز در این سازوکار، فرایند گردآوری، تحلیل، دریافت بصیرت و استخراج اطلاعات مفید برای آشکار سازی انگاره‌های پنهان از داده هاست (ریتچی، ۲۰۰۷).

از این روست که در این نوشتار این نظریه به اعتبار نام؛ "پایه ور" (برابر نهاده‌ی *Grounded*)، و به اعتبار تعریف؛ "داده ور" (برابر نهاده‌ی *Grounded in the data*)، نامیده شده است، گو این که در برخی منبع‌ها به اعتبار نام؛ نظریه بنیانی، نظریه مبنایی نظریه زمینه‌ای و نظریه‌ی پایه‌ای، و به اعتبار تعریف نظریه داده بنیان، داده مبنای، زمینه بنیاد و داده پایه آمده است.

این نظریه در این نگاه‌شسته، بنا به تعریف، داده ور نامیده شده چرا که بنا به تعریف نقل شده از بریکس و همکاران (۲۰۱۴) توسط تای و همکاران (۲۰۱۹)، اشاره به ساخت یا استخراج نظریه‌ای دارد که ریشه و پایه در داده‌ها دارد (*the final developed theory is grounded in the data*).

بنا براین با افزودن پسوند "ور" (پسوندی که به اسم می‌پیوندد و دارندگی را می‌رساند مانند: بارور) به

قدرتمند کردن تحلیل‌های اصلی است. این راهبردها شامل کاربرد منطق قیاسی یعنی شکلی از استدلال خلاق مستدل است. ترکیب تحقیق استشهادی (کشنده به سوی محور) و استقرایی با روش‌های قیاسی، نظریه پایه و روش قدرتمندی برای تحقیق کیفی و تحلیل‌های فردی و جمعی در تحقیقات عدالت اجتماعی کرده است. ولویوس (۲۰۲۰)، چهار روش برای پردازش داده‌های تحقیق در نگاره ۱، بر پایه پرسشی که محقق می‌پرسد و اطلاعاتی که انتظار دارد در تحقیق به دست آورد، را ارایه کرده است که عبارتند از توصیفی (چیستی)، تشخیصی (چرایی)، برآوردی (پیش بینی) و تجویزی (رهمودی). هنگامی که محقق بخواهد آن چه که هست یا اتفاق افتاده (توصیف) و/یا سبب وضعیت موجود را توضیح دهد از تحلیل توصیفی و/یا تشخیصی استفاده می‌کند. اگر مراد محقق از تحقیق پرسش در تحقیق (گرد آوری داده ها) این باشد که چه اتفاقی ممکن است در آینده بیفتد و آن را پیش بینی کند، از تحلیل برآوردی (پیش بینی) و تجویزی (رهمودی) استفاده می‌کند.

نقش انسان تحلیل

توصیفی  
چه شده ؟

تشخیصی  
چرا چنین شده ؟

پیش بینی (برآوردی)  
چه خواهد شد؟

تجویزی (رهمودی)  
چه باید کرد؟

اقدام

تصمیم

پشتیبانی تصمیم

خود کار سازی (افزارگتی) تصمیم

بازخورد

نگاره ۱ - پیش بینی آینده با درک گذشته : چهار گونه تحلیل داده (ولویوس، ۲۰۲۰)

در این گام که مربوط به پردازش داده‌های کیفی است پژوهشگر کوشش می‌کند تا از داده‌ها یا مفهوما به مقوله‌ها و سپس به تولید فرضیه یا نظریه برسد. برای این کار اگر از نخست داده‌ها به شکل یادداشت هانگاشته شده باشند باید آن‌ها را وارد سامانه یک نرم افزاری کیفی پرداز کرد ولی اگر داده‌ها به شکل گفتار یا حتی ویدئو باشند باید از نرم افزارهای ترانویسی یا تبدیل گفتار به نوشتار (StT) یعنی نرم افزار هایی که با استفاده از آن‌ها می‌توان گفتار را به شکل نوشته درآورد استفاده شود که اکنون برای زبان فارسی نیز این امکان به شکل متنوعی فراهم شده و با استفاده از یکی از آن‌ها می‌توان تمامی گفته‌ها را به نوشته برگرداند یا ترانویسی کرد. پس از

این مرحله محقق تمامی مفهوماهای دریافت شده را به دقت بررسی می‌کند تا آن چه بین پاسخ گوینان مشترک وهمگون بوده را از مفهوماهای متفاوت جدا کند. مفهوما که در این مرحله به مقوله‌ها که هر یک مجموعه ای از مفهوما هستند تبدیل می‌شوند و برای هر مقوله که بیان گر یک معنا و محتوا باشد نامی در خور آن مجموعه برگزیده می‌شود. توجه داشته باشید که شمار این مقوله‌ها نمی‌تواند در شرایط یکسان مدیریت مصاحبه‌ها به اندازه شمار مفهوما یا شمار پاسخگوینان باشد. چرا که اگر چنین باشد پراکنش و ناهمگونی در تحقیق به اندازه ایست که پژوهشگر نمی‌تواند در نهایت به رای و نظر واحدی که همراهی یا اجماع نام دارد دست یابد.

شوند. این شمار اخیر را باز هم با تلاش و خطا و داوری شخصی باید کنار هم چید تا شکل تابلوی اصلی تدریجا پدید آید که البته ممکن است هنوز جا به جایی‌هایی در ساخت دقیق آن نیاز باشد. این شکل تابلو، همان قضیه ایست که پژوهشگر در تحقیق کیفی در پی آنست. منتها نه به شکل عینی یا Objective بلکه به شکل ذهنی یا Subjective.

در این مثال، هر قطعه را یک مفهوم در نظر بگیرید و هر طبقه را یک مقوله و تصویر نهایی را یک نظریه یا قضیه، یعنی یک قانونمندی ثابت فرضی استخراج شده از یک مورد داده‌ها که زین پس باید درستی آن در عمل و در یک تحقیق کمی آزموده شود.

برای جدا کردن قطعه (مفهوم)‌های یک تصویر برای تولید طبقه‌ها یا دسته (مقوله)‌ها از قطعه‌ها و دست‌یابی به قضیه یا گزاره از مقوله‌ها، از روش‌هایی استفاده می‌شود که با استفاده از این مثال چنان که گفته شد، در تحقیق کیفی نخست بتوان دیدگاه‌های مشترک، مشابه و متفاوت پاسخ‌گویان را از هم جدا و شماره کرد و با تلفیق مفهوم‌ها، مقوله‌ها و با تلفیق مقوله‌ها قضیه‌ای را در موضوع تحقیق تولید، استخراج یا کشف کرد. تشخیص این که کدام داده‌ها در بین پاسخگویان مشترک مشابه یا متفاوت هستند نیاز به خبرگی موضوعی پژوهشگر دارد. اما این خبرگی که ناشی از دانش و برداشت او از داده‌هاست بین افراد متفاوت است به این معنا که اگر داده‌های گرد آوری شده در یک تحقیق کیفی را برای پردازش به چند اما این خبرگی که ناشی از دانش و برداشت او از داده‌هاست بین افراد متفاوت است به این معنا که اگر داده‌های گرد آوری شده را برای پردازش به چند نفر پژوهشگر خبره بدهند و از آن‌ها بخواهند که از مفهوم‌ها، مقوله‌ها و از مقوله‌ها قطیه بسازند، ده نتیجه‌ی نا یکسان تولید خواهد شد و این عمده‌ترین اشکال داده پردازشی و نتیجه‌گیری از تحقیق کیفی به روش نظریه

داده پردازشی در این مرحله کامل کیفی است و بستگی به محتوای نظرهای ارایه شده در مصاحبه‌ها یا هر روش دیگری که در گرد آوری داده‌ها استفاده شده دارد.

داده پردازشی در این مرحله دقیقا مانند ساختن یک تابلو از قطعه‌های (اجزای) آن تابلو در یک پازل تصویریست. در این کار هر قطعه از تصویر یک مفهوم و هر مجموعه‌ای از قطعه‌های مشابه یک مقوله و در نهایت تصویری که ساخته می‌شود یک قضیه یا گزاره است. روال کار در ساختن این تابلو چنین است که سازنده تابلو بدون داشتن هیچ تصویری از تابلوی مورد نظر (تصویر اصلی برای سازنده تابلو مخفیست) قطعه‌هایی از تصویر را که رنگ و زمینه مشترک دارند را از بین بقیه جدا می‌کند یعنی با مفهوم‌ها مقوله می‌سازد و به هر یک نامی می‌دهد مانند ابر، آسمان، آب، برگ، چمن، گل، خانه. برای این کار با تلاش و خطا هر یک از این مقوله‌ها را با کنار هم چیدن مفهوم‌ها (قطعه‌های تصویر) جداگانه می‌سازد.

اگر به فرض ۱۰۰۰ قطعه در یک جعبه پازل تصویری برای ساخت یک تصویر داشته باشید، ممکن است بارها و بارها این قعه‌ها را کنار هم بگذارید تا بالاخره چند قطعه به تصادف در هم جای گیرند و بخشی از تصویر را نشان دهند اما چقدر ممکن است برای درست کردن یک تصویر با هزار قطعه وقت بگذارید؟ چگونه می‌توان به روش مشخصی این قطعه‌ها را شناسایی و در ساخت تصویر از آن‌ها استفاده کرد. این پرسش‌ها به یک پاسخ هدایت‌گر به نام طبقه بندی و ساختار سازی می‌رسد. به این معنی که باید قطعه‌های این پازل تصویری را طبقه بندی کرد و در ساخت تصویر به روشی ساختارمند از هر طبقه استفاده کرد. پس با جدا کردن قطعه‌های مشابه و کنار هم چیدن آن‌ها به فرض به کم‌تر از ۱۰۰ دسته یا طبقه‌ی معنی دار دست می‌یابیم که البته هنوز یقینی نیستند و ممکن است در مرحله بعدی جا به جا

پایه ورست که البته برای رفع این اشکال و دست یابی به نتیجه یکسان باید از نرم افزارهای داده پرداز استفاده شود که در جای خود توضیح داده می شود.

با فرض بر این که پژوهشگر فردی خبره در کار تحقیق و پرسشگریست روش هایی را برای نشان گذاری داده‌ها در سه مرحله بر می‌گزیند. چراکه بالاخره باید در مرحله پردازش داده‌ها بتوان با استفاده از تحلیل شمارشی به حقیقت دست یافت. برای این کار محقق در طی سه مرحله نشان گذاری کیفی، داده‌ها را از هم جدا، دسته بندی و با "عبارت فعلی" یا کوتاه ترین شکل نام گذاری می‌کند. نشان گذاری داده‌ها باید به اندازه ای درست و دقیق و نمایانگر داده‌ها باشد که بتواند محقق را به ساخت نظریه رهبری کند. نشان گذاری یعنی طبقه بندی داده‌ها با کوتاه ترین نام چنان که بتوان این بخش از داده‌ها را به خوبی درک، شناخت و تعریف کرد. نشان‌های نهاده شده بیانگر آنند که چگونه شما داده‌ها را گزیده، جدا کرده و ردیف (مرتب) کرده اید (چارماز، ۲۰۱۴).

الف- مرحله آغازین که برخی آن را نشان گذاری بازگویند- روند خرد کردن، مقایسه کردن، مفهوم پردازی کردن و مقوله پردازی کردن داده‌ها را نشان گذاری می‌گویند. نشان گذاری آغازین که برخی آن را بدون اینکه توضیحی در باره این نامگذاری ارایه کنند نشان گذاری باز گفته اند و آن را فرآیندی معرفی کرده اند که در آن داده‌ها به صورت واحدهای معنادار مجزا درمی‌آیند که در آغاز مطالعه می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. هدف اصلی نشان گذاری باز، مفهوم سازی و نشان گذاری داده هاست. در نشان گذاری باز مفهوم‌ها از داده‌ها شناسایی می‌شوند. چنان که گفته شد، مفهوم‌ها پایه‌های اساسی تولید نظریه هستند.

روش‌های تحلیلی اساسی که به آن وسیله این کار انجام می‌شود، عبارت است از: سوال کردن درباره داده

ها، مقایسه موارد، حوادث و دیگر حالت‌های پدیده‌ها برای کسب مشابهت‌ها و تفاوت‌ها. حوادث و موارد مشابه طبقه بندی می‌شوند و برچسبی می‌گیرند تا مقولات را بسازند. در حالی که واژه "باز"، در این نشان گذاری از این جهت مطرح شده است که در این مرحله با انجام نشان گذاری، پژوهشگر دست باز برای تشخیص آنچه به لحاظ نظری ممکن است از داده‌ها دریابد دارد. به این معنا که تازه کار برداشت از داده‌ها با این گونه نشان گذاری آغاز می‌شود و محدودیتی برای پژوهشگر در برداشت از داده‌های نشان گذاری شده نیست. ساخت مفهوم (متغییر در تحقیق کمی)ها از داده‌ها و نشان گذاری مفهوم‌ها در این مرحله بستگی به توانمندی محقق از دیدگاه علمی و فنی تحقیق از یک سو و تسلط تخصصی او به موضوع از سوی دیگر دارد به همین سبب هم آمیختن داده‌ها و برداشت از آنها یا ساخت مفهوم‌ها ممکن است بین محققان کیفی پژوهش متفاوت باشد. در نتیجه گذر از گام‌های بعدی هم تحت تاثیر همین گام نخست قرار می‌گیرد و دست آوردهای نا همگونی تولید می‌شود.

در این نشان گذاری است که تمام جمله‌های متن مصاحبه آزاد، محتوای پاسخ‌ها یا روایت‌ها از جهت میزان ارتباط با موضوع بررسی می‌شوند و بر همین پایه به نام مقوله‌های استخراج شده از داده‌ها نشان گذاری انجام می‌شود.

ب- مرحله متمرکز که برخی آن را کانونی یا محوری گفته‌اند- در این مرحله آن چه در مرحله نشان گذاری باز فراهم شده تک به تک به شکلی نمادین به یک "عبارت فعلی" (عبارت کوتاه که رساننده انجام فعلی باشد)، یا "گویه" (اسم مصدر گفتن)، تبدیل شوند مانند: "من معتقدم باید در همه موارد پیش از عمل نخست فکر کنیم"، که با نشان گذاری به شکل "عبارت فعلی"، یا "گویه"، می‌شود: "فکر کردن پیش از عمل". یا: شرکت در کلاس‌های آموزشی در رفتار فرد موثر است، که به شکل

جمله‌ها و ساختار واژگان در آن‌ها استخراج می‌شوند و رابطه بین مقوله‌ها به شکل گمانی تشخیص داده می‌شود و در نهایت، از پیوستن آن‌ها بر پایه سمت و سو و شدت ارتباط بین آن‌ها مدل نظری تحقیق که همان نقشه‌ی نظریه برآمده از داده‌های تحقیق است آشکار می‌شود.

برای درک بهتر نشان گذاری به سالدانا (۲۰۱۴) راهنمای نمادگذاری برای محققان تحقیقات کیفی بنگرید. پارامسواران و همکاران (۲۰۱۹)، با بیان اینکه نشان گذاری بخشی پیوسته به تحقیق کیفی است، روش نشان گذاری زنده را پیشنهاد داده اند به این شکل که مفهوم‌ها در حین مصاحبه شناسایی می‌شوند و در همان لحظه نشان گذاری آن‌ها انجام می‌شود. سبب این پیشنهاد این است که بسیاری از داده‌های غیرگفتاری (مانند رفتار و زبان بدن) در نوشته‌ها درج نمی‌شوند و از این رو نشان گذاری بر پایه نگاشته‌ها را ناقص می‌دانند که البته درست هم هست. نشان گذاری زنده نیاز به سیاهه‌ای از نشان‌هایی دارد که محقق باید از منبع‌های مرتبط با تحقیق خود در بخش مطالعات نظری و اسنادی تحقیق استخراج کرده باشد و از آن در نشان گذاری زنده استفاده کند یعنی نشان گذاری همزمان با مصاحبه با استفاده از این نشان‌های گرد آمده انجام شود. محقق در نشان گذاری زنده باید خیلی هوشیار و چابک باشد تا بتواند نشان گذاری را به درستی انجام دهد. برای این کار باید سیاهه‌ی نشان‌ها الفبایی مرتب شوند و نشان گذاری زنده دست کم به وسیله دو تن همزمان انجام شود تا در پایان با مقایسه آن‌ها بتوان درستی نشان گذاری را بررسی کرد. البته نشان گذاری زنده را می‌توان نرم افزاری نیز انجام داد که برای این کار از آوپردازهای تبدیل کننده آوا به نگاشته می‌توان کمک رفت که در نتیجه دقت کار نشان گذاری به مراتب بیش از نشان گذاری زنده دستی است. نشان گذاری زنده را می‌توان برابر نشان گذاری

عبارت فعلی یا گویه می‌شود: "تاثیرآموزش در رفتار". در واقع محور (مقوله)‌های مورد نیاز برای ساخت نظریه (مدل ارتباط مقوله‌ها) در این مرحله فراهم می‌آیند به همین سبب هم به آن نشان گذاری محوری یا "بن نشان" گفته می‌شود و پژوهشگر هر جمله از گفته‌های پاسخگو یا مصاحبه شونده را در قالب یک عبارت فعلی یا گویه تبدیل می‌کند که البته برای این کار باید درک درستی از متن گفته‌ها داشته باشد.

توجه داشته باشید که این کاربرای داده‌های هر پاسخگو باید یکسان انجام شود. به این معنی که اگر از یک جمله پاسخگوی اول عبارت فعلی ساخته شد باید برای همان جمله یا مفهوم نزدیک به آن نیز همان عبارت فعلی یا بن نشان در نظر گرفته شود. تشخیص تشابه این دو جمله از نظر مفهوم و معنا بر عهده پژوهشگرست. عبارت فعلی، از کمینه‌ی واژگانی ساخته می‌شود که بهترین و فشرده ترین ترجمان نظر مصاحبه شونده یا پاسخگو باشد. عبارت فعلی دست کم از یک واژه ترکیب یا دو واژه که بتواند ترجمان راستین نظر پاسخگو باشند ساخته می‌شود.

گویه اسم مصدر گفتن است که به شکل یک عبارت فعلی یا یک جمله ناقص نگاشته می‌شود.

ج- مرحله نشان گذاری گزینه‌ای یا انتخابی- نشان گذاری داده‌ها به پژوهشگر نشان می‌دهد که سمت و سوی هر دسته از داده‌ها یعنی مقوله‌ها (مشابه عامل‌ها در تحقیق کمی) چیست و چه رابطه‌ای را بین آن‌ها تداعی می‌کنند. نشان گذاری داده‌ها باید پژوهشگر را به سوی یادگیری از داده‌ها و یافتن رابطه بین آن‌ها رهنمون شود. به این معنی که پژوهشگر با مرور داده‌ها و نشان گذاری آن‌ها از این کار مطالبی را برای تولید نظریه علمی فرا می‌گیرد یا چارچوبی برای نگارش نظریه در ذهن او شکل می‌گیرد. به این کار تحلیل زمینه‌ای، موضوعی یا بن مایه‌ای گویند چرا که در این تحلیل زمینه‌ها از متن

آغازین یا باز در فرایند نظریه پایه ور دانست که در آن مفهوم‌ها از داده‌ها استخراج می‌شوند. برتری این گونه نشان‌گذاری این است که محقق پیش از انجام مرحله میدانی تحقیق و گردآوری داده‌ها مفهوم‌ها را از منبع‌های نظری و تحقیقات مشابه استخراج کرده و در نتیجه این مفهوم‌ها مستند و قابل اتکا و نیازی به تولید مفهوم‌ها از داده‌های میدانی آن هم به سلیقه‌ی محقق نیست. افزون بر آن همگنی یافته‌های اسنادی با داده‌های میدانی در نشان‌گذاری به روایی تحقیق م‌افزاید. پس از نشان‌گذاری زنده، دیگرمرحله‌های نشان‌گذاری تا رسیدن به نظریه پردازی از روش استخراج مقوله‌ها از مفهوم‌های نشان‌گذاری شده پیروی می‌کند.

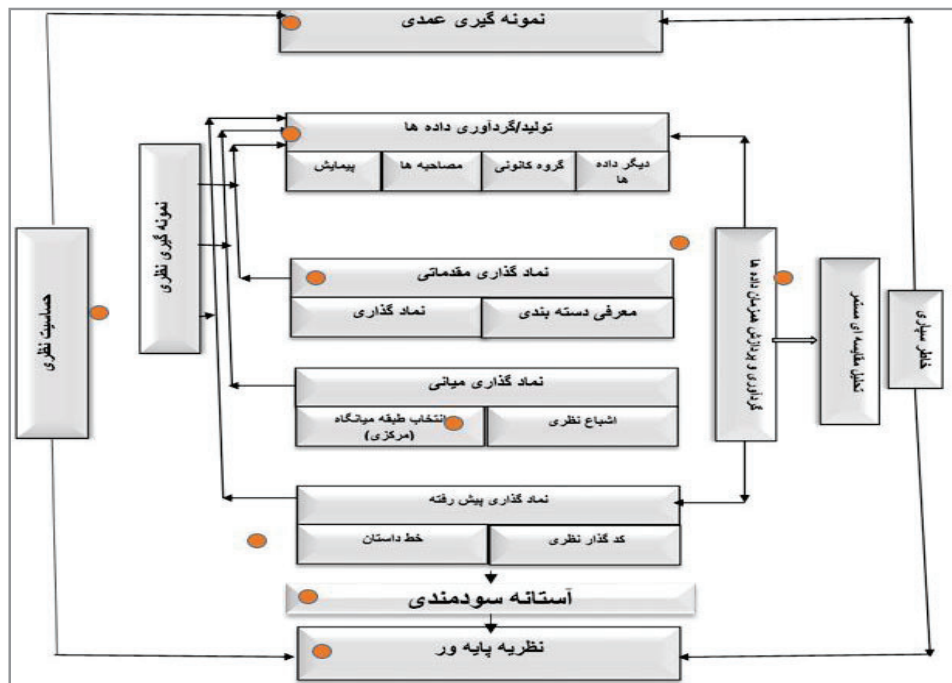
### روش‌شناسی

بررسی مقاله‌های تحقیقات کیفی پرشماری که در آن‌ها از روش نظریه پایه ور، به شکلی که تا کنون در منبع‌های مربوط به آن آمده و استخراج نارسایی‌های این مقاله‌ها، سبب شد تا با رویکردی فراگشتی (تحوالی) و تفسیرگری یا سفرنگ‌گری انتقادی متون تخصصی نظریه پایه ور بررسی شوند. با استفاده از این روش متن اصلی منبع‌های تخصصی نظریه پایه ور و مقاله‌های نگاشته بر پایه این نظریه پردازی، برداشت‌ها از مفهوم‌های پنهان یا ناروشن آن‌ها، باز گشایی و راز گشایی از متن‌های رمز آلود تخصصی نظریه پایه ور، و روش‌شناسی مندرج در مقاله‌های مورد بررسی نگاشته شدند و برداشت از مقاله‌ها با دیدگاه‌های تخصصی مقابله و ناترازی‌ها استخراج شدند تا منظور و مراد نگارندگان آن‌ها آشکار شوند. این آگاهی‌ها با ادبیات قابل درک آسان و با حفظ سرشت متن اصلی، تحلیل و تفسیر و بالاخره نتیجه‌گیری شدند.

### یافته‌ها

و در نتیجه‌ی بررسی‌های انجام شده به شرحی که در روش‌شناسی آمد، ده مورد راهکارهای تکمیلی (با نشان در نگاره ۱) برای رفع نارسایی‌ها و بهینه‌سازی این روش نظریه‌ای (که به شکل تجربی نیز در اصلاح مقاله‌های مزبور تجربه شده‌اند) معرفی شوند. این نارسایی‌ها که تا کنون به هیچ یک از آن‌ها به هر سببی، در ادبیات این نظریه حتی اشاره هم نشده عبارتند از: معرفی دقیق خبرگان و صاحب نظران موضوعی، موقعیت استفاده از خبرگان و صاحب نظران، مناسبت روش و ابزار داده‌گیری، استفاده از توافق سنجی خبرگانی، نشان (کد) گذاری متناسب با گونه‌ی روش نظریه پایه، شیوه درست پردازش داده‌ها، برای دستیابی به خط داستان یا بیرنگ، دستیابی به آستانه سودمندی، تدوین مدل نظری، همگانشی (اجماع) کردن یافته‌نهایی تحقیق، و ساخت نظریه که به شرح زیر برای استفاده علاقمندان به استفاده تکمیلی از روش نظریه پایه ور مطرح می‌شود. البته گمان این که کاربران روش نظریه پایه ور باید از پیش به این نکته‌ها در فلسفه و روش‌شناسی تحقیق و آمار کاربردی و نمونه‌گیری توجه داشته و آن‌ها را در استفاده از این روش رعایت کنند گمان درستی نیست چون هر روش تحقیقی به ویژه روش‌های تولید یا کشف نظریه از جمله این روش که پایه‌ی تحقیقات پس از خود هستند، مستقل از دانسته‌ها محقق، باید به شکل کامل معرفی و کاربران خود را از همه‌ی نیازهای آن آگاه کند.





نگاره ۲- نارسایی‌ها و فرگشت چارچوب چیدمان تحقیق، چکیده کارکرد بین روش و فرایند اساسی نظریه پایه‌ور تی، بیرکس و فرانسیس (۲۰۱۹)

### ۱- معرفی دقیق خبرگان و صاحب نظران

کرده و از کسانی استفاده کرده اند که به عنوان خبره یا صاحب نظر موضوعی وجاهت لازم را نداشته اند. از این رو، باید از افرادی و یا واحدهای اطلاعاتی ای در زمینه روش نظریه پایه ور استفاده شود که شایستگی و بایستگی لازم برای مشارکت در ارائه داده‌های مورد نیاز تحقیق را داشته باشند. نکته دوم، استفاده از خبرگان فقط در دو حالت مجاز است. یکی، هنگامی که هیچ منبع موثق و مستند منتشره ای (دست دوم و سوم و...) وجود نداشته باشد که البته باید محقق این مورد را با برهان و گزارش جویشگری انجام شده ثابت کند. و دیگری، هنگامی که منبع‌های منتشره به اندازه کافی نیاز تحقیق را بر آورده نکنند و لازم باشد تا محقق با استفاده از ظرفیت علمی و تجربی خبرگان، دیدگاه‌های تخصصی به روز را گردآوری و با نکته‌های استخراج شده از منبع‌های اسنادی تلفیق و در تحقیق استفاده کند. نکته سوم، هنگامی که منبع‌های نظری و یا پیشین پژوهیده‌های معتبر به اندازه کافی (تا رسیدن به اشباع نظری داده ها) وجود داشته باشند استفاده از نظر خبرگان

بارها دیده شده که محققانی بدون توجه به شرایط استفاده از خبرگان و صاحب نظران موضوعی و شیوه نامه‌های آن به گروهی محدود با تعریفی نارسا، روی کرده با استناد به روش مصاحبه با پرسش‌های باز (نیمه ساختارمند)، یا بسته (با ساختار کامل) به نظرخواهی از آنان می پردازند. در حالی پیش از گردآوری داده ها، دست کم سه نکته را باید در این مورد رعایت کرده باشند. نکته‌ی نخست، تعریف مناسب و مورد وثوق تحقیق و قابل دفاع از خبرگان موضوعی است. یعنی کسانی (منبع‌های دست اول انسانی با دانش خاموش)، که داده‌های مورد نظر و مطلوب تحقیق را در ذهن خود دارند و تا هنگام تحقیق با کسی آن‌ها را مطرح نکرده و فقط آن‌ها را هنگام تحقیق با محقق در میان می نهند. به این گروه جامعه خبرگانی تحقیق گفته می شود که در واقع منبع دارنده اطلاعات تخصصی مورد نیاز تحقیق هستند. متأسفانه بارها دیده شده که محقق در معرفی این منبع‌های اطلاعاتی انسانی نارسا و یا حتی نادرست عمل

و صاحب نظران با توجه به مشکلات و محدودیت‌هایی که دارد مجاز نیست مگر محقق نسبت به اصالت داده‌های گردآوری شده و روز آمدی آن‌ها تردید داشته باشد که در این شکل داده‌های گردآوری شده را برای تایید و پالایش به شرحی که خواهد آمد به نظر خبرگان می‌رساند.

## ۲- چگونگی استفاده از خبرگان یا صاحب

### نظران موضوعی

بسیار دیده شده که برخی محققان به گزینش‌های غیر تصادفی از جمله نمونه‌گیری عمدی یا منظوری، هدفمند، گلوله برفی و مانند این‌ها روی می‌آورند بدون این که تعریف درستی از این گونه نمونه‌گیری‌ها ارایه دهند و آن چه که ارایه می‌دهند تعریف‌هایی خود ساخته و یا توجیه تعریف‌های کتابی موجود به مقصود و منظور خود است. مانند این که استفاده از نمونه گلوله برفی در یک جامعه آماری یکدست و یکنواخت یا با ناترازی اندک چون دانشجویان سال آخر کارشناسی که همگی کم و بیش در یک شرایط و با اندوخته دانشی نه چندان ناترازی هستند. در حالی که نخستین فرد گزیده شده در نمونه‌گیری گلوله برفی باید از میان خبره‌ترین و آگاه‌ترین افراد مورد نظر محقق در موضوع تخصصی تحقیق باشد و از او پرسیده شود که پس از او چه کس یا کسان دیگری ممکن است در این موضوع صاحب نظر باشند و این روند یافت خبره و پرسشگری از آن‌ها تا جایی پیش رود که اشباع نظری داده‌ها آشکار شود.

بنابر این، شناخت جامعه آماری تحقیق و گزینش پاسخگوی شایسته تحقیق از شرایط بسیار مهم و حساسی است که اگر به درستی تامین شوند داده‌های تحقیق با تامین شرط سوم که پرسشگری درست باشد گردآوری خواهند شد.

## ۳- مناسبت روش و ابزار داده‌گیری

روش و ابزار داده‌گیری دو مورد حساس در استفاده از روش نظریه پایه‌ور هستند که باید با توجه به ماهیت

و بن‌مایه تحقیق به درستی معرفی و استفاده شوند. روش گردآوری داده‌ها از جمله مصاحبه، مشاهده، مناظره، مکالمه و ابزار گردآوری داده‌ها از جمله؛ یادداشت برداری، ضبط صدا و تصویر، نگاشتن مشروح مصاحبه و مانند آن نیز در حد خود به اعتبار علمی و آماری داده‌های گردآمده می‌افزایند به شرط این که متناسب با وضعیت استفاده از خبرگان و صاحب نظران و میزان و گونه‌ی مشارکت مورد نظر آنان در تحقیق باشند. هنگامی که پاسخگو یا مصاحبه‌شونده به هر سبب مایل به معرفی خود نباشد نمی‌توان صدا و یا تصویر او را ضبط کرد بلکه باید فقط به نگاشتن دقیق همان‌هایی که در پاسخ به پرسش تحقیق مطرح می‌کند بسنده کرد. یا در مورد یادداشت برداری که این کار فقط باید به وسیله محقق انجام شود نه کس دیگری که ممکن است به موضوع تحقیق حتی آگاهی و یا اشراف هم نداشته باشد. استفاده از مصاحبه نیز هنگامی مجاز است که پاسخ‌گو راضی باشد در غیر این شکل انجام آن با اکراه و از روی ناراضی‌تبی داده‌های معتبری را فراهم نمی‌آورد.

بارها دیده شده که برخی محققان در تحقیق خود بدون توجه و یا با توجه اندک به این شرط‌ها با انجام مصاحبه و یا ضبط صدا و تصویر پاسخگو به مصاحبه می‌پردازند تا هنگامی دیگر با استفاده از آن داده‌ها را از استخراج کنند در حالی که گذر زمان تاثیر قابل توجهی در کیفیت داده‌های گردآوری شده و انگیزه و آمادگی محقق برای استفاده از داده‌ها دارد.

دادن ابزار تحقیق برای دریافت داده‌ها اعم از نیمه ساختاری یا کامل ساختاری به پاسخگو نیز محدودیت‌های ویژه خود را دارد که دست کم یکی از آن‌ها این است که در تحقیق کیفی با روش نظریه پایه‌ور پاسخگو باید بدون احساس محدودیت و مانع به آنچه در باره پرسش تحقیق می‌داند آزادانه ارایه دهد. هر گونه ابزار از پیش تدوین شده تحقیق که برای پاسخ‌گو محدودیت و یا حد و مرز

اگر مورد تکمیلی ای در همین رابطه داشته باشند در پایان به فهرست گویه‌ها اضافه کنند. این مرحله‌ی رسیدن به اشباع نظریست که اگرچه در فرایند استفاده از روش نظریه پایه ور لازم است ولی کافی نیست.

در مرحله سوم، گویه‌هایی که مورد توافق همه‌ی خبرگان بوده از آن‌هایی که مورد توافق نبوده جدا می‌شوند مگر گویه‌هایی که فقط اندکی از خبرگان با آن‌ها موافق نبوده باشند. تشخیص این مورد بر عهده محقق است. در این مرحله همه‌ی گویه‌های منتخب و تایید شده به شکل ستونی در وسط صفحه و مقیاس‌های موافقت در سمت راست و معیارهای مخالفت در سمت چپ صفحه برای هر گویه به شکل زیر نگاشته می‌شوند و از خبرگان خواسته می‌شود تا میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر گویه در ارتباط با پرسش تحقیق مشخص کنند.

#### ۵- نشان (کد) گذاری متناسب با گونه‌ی روش

##### نظریه پایه

بررسی شمار فراوانی از مقاله‌هایی که در آن‌ها از نظریه پایه ور استفاده شده نشان می‌دهد که محققان همه فقط از یک روش نشان گذاری استفاده می‌کنند بدون این که گونه مشخص کنند که از کدام گونه‌ی نظریه پایه ور استفاده کرده‌اند.

برای این که بدانید در هر گونه از روش نظریه پایه ور از چه شیوه نشان گذاری باید استفاده شود گونه‌های نظریه پایه ور و روش نشان گذاری مناسب با هر یک در پی می‌آیند. نخست شناخت گونه‌های روش نظریه پایه ور.

نظریه پایه ور چند گونه متمایز دارد که عبارتند از سنتی منتسب به گلیسر، فراگشت (تحول یافته) منتسب به ستراوس، کربین و کلارک، و ساختارگرایی منتسب به چارمز. هر یک از این‌ها البته توسعه یافته نسخه اصلی منتسب به گلیسر و ستراوس هستند (تای، بیرکز و فرنسیس، ۲۰۱۹).

هدف گونه سنتی، تولید نظریه مفهومی برای یک

داشته باشد برای استفاده در این نظریه مناسب نیست. افزون بر این، دادن ابزار نیمه ساختاری یا ساختاری به پاسخگو به معنای نامناسب بودن هنگام انجام مصاحبه با او و یا مناسب نبودن وقت او برای پاسخ گویی است. این که در زمان دیدار با پاسخگو نتوان از وی داده‌های تحقیق را دریافت کرد و این کار به زمانی بعد موقوف می‌شود از تحدیدهای تحقیق است. یکی از پی آمدهای این کار این است که پاسخگو در زمانی که مایل باشد و فرصت کند به پرسش‌ها پاسخ می‌دهد و بسا که منظور، مراد، هدف، و یا مفهوم برخی پرسش‌ها را متوجه‌نشود که در این شکل به آن چه فهمیده پاسخ می‌دهد که ممکن است با آنچه مورد نظر محقق است ناتراز باشد. یا برای درک بهتر پرسشها با دیگران مشورت کند که در این صورت سوگیری و مداخله در پاسخ پدید می‌آید. در چنین هنگامه‌هایی داده‌ها خدشه دار وارد می‌شوند و باید سازو کارهای خالص سازی آن‌ها را با روایی و پایایی سنجی انجام داد.

#### ۴- توافق سنجی خبرگانی

این مورد در استفاده از روش نظریه پایه ور به معنای رسیدن به مرحله ایست که خبرگان نسبت به مفهوم‌هایی که استخراج شده اند توافق داشته باشند. دیدگاه‌های خبرگانی به یقین باید به اجماع برسند یعنی توافق سنجی شوند. آن چه به روش زیر فراهم می‌شود با درج شیوه پذیرش خطای خبرگانی (مثلا در چند مورد توافق نباشد قابل پذیرش حساب شود) در روند نماد یا نشان گذاری استفاده می‌شود. برای این کار نخست باید پس از پیاده سازی گفته‌ها یا نگاشته‌های خبرگان و فهرست کردن آن‌ها، همه را به شکل گویه (عبارت بدون فعل و جهت دهی‌های هدایت گر) نگاشت. در مرحله دوم، از خبرگان درخواست شود تا این گویه‌ها را در ارتباط با پرسش مرحله نخست تحقیق بررسی کنند و موافقت یا مخالفت خود را با هر یک از آن‌ها در مقابل همان گویه بنگارند و

انگاره رفتاری مرتبط یا مساله ساز در افراد دخیل است. یعنی محقق می بایست موضع تحقیق را رفتار یا مساله ای در رفتار بیابد تا بتواند از کسانی که (درگیران) آن رفتار یا مساله هستند داده دریافت کند. این افراد باید به جد خبره و دخیل در کار باشند تا داده‌های درست و مرتبط با رفتار یا مساله را در اختیار محقق بگذارند. بنا بر این نمونه‌ها برای گردآوری داده‌های مورد نیاز باید گزینشی و البته بر پایه معیارهای دقیق و استانداردهای لازم باشند. از این رو نمونه‌ها با توجه به علم، تجربه خبرگی و شناخت دقیق موضوع برای این منظور نه انتخاب بلکه ورچیده می شوند. دومین گونه نظریه پایه ور یک دید جامعه شناختی بر پایه کنشگرایی نمادین یا اثر متقابل کنش‌های اجتماعی و معناهای نمادینی که مردم برای فرایند کنشگری‌های اجتماعی به کار می‌برند. کنشگری نمادین به معناهای ذهنی ای اشاره دارد که مردم با باور به آن چه که درست و حقیقت است بر اشیاء، رفتارها، یا رخدادهای اجتماعی می‌نهند. مانند خوش شانس، خوشبختی، شگون دار، نحس، خوش اخلاق، کارآمد و کارساز که همگی در زمره کنش‌های متقابل اجتماعی و درک و دریافت مردم از آن‌ها نماد شده اند. سومین گونه از این راه کار تحقیقاتی از ساختارگرایی پی روی می‌کند. چرا که در اساس، توسط چارمز که یک متخصص واکنشگرایی نمادین بود توسعه یافت. در این حالت نظریه کشف نمی شود بلکه توسط محقق که از دریچه چشم خودش به پدیده مورد تحقیق می‌نگرد ساخته می‌شود. نظریه ای که ساخته می‌شود تولید باریک بینی ودقت نظر محقق است که به موضوع تحقیق و روند و روال و ساز و کار نظریه پایه ور اشراف دارد. دست آورد این گونه از نظریه پایه ور مدل نظری ای است که محقق برای نمایش نمادهای استخراج شده از داده‌های گردآوری شده در فرایند تحقیق و روابط بین آن‌ها ترسیم می‌کند. لازم به توجه است که این ساختارگرایی غیر خطی، انعکاسی و چندگانه (تکرار دار) و بازگشتی است. جدول ۱، مقایسه نماد گذاری مناسب هر یک از گونه‌های نظریه پایه ور را نشان می‌دهد (تای، بیرکس و فرانسیس، ۲۰۱۹).

جدول ۱- مقایسه نماد گذاری مناسب گونه‌های نظریه پایه ور) تای و همکاران، ۲۰۱۹)

روش نمادگذاری			توسط	گونه نظریه پایه ور
پیش رفته	میانہ	مقدماتی		
نظری	انتخابی	باز	گلیسر	سنتی
انتخابی	محوری	باز	استراوس کربین و کلارک	فراگشته
نظری	کانونی	آغازین	چارمز	ساختارمند

آن گونه که در این جدول آمده، سه ویراست (نسخه) از نظریه پایه ور تا کنون در ادبیات این روش نگاشته و معرفی شده که عبارتند از ویراست سنتی، ویراست فراگشته، و ویراست ساختارمند. هر یک از این ویراست‌ها به سه روش نماد گذاری نیاز دارند که برای هر یک در این جدول آمده. بررسی مقاله‌های نگاشته شده با روش نظریه پایه ور نشان می‌دهد که نماد گذاری‌ها همگی به روش ویراست فراگشته‌ی این نظریه به ترتیب؛ باز، محوری و انتخابی بوده اند در حالی که همه‌ی نگارندگان مقاله‌های مزبور

با استناد به گلیسر و استراوس که پدیدآورندگان ویراست سنتی هستند از این روش استفاده کرده اند. از این رو به نظر می‌رسد که آگاهی لازم از شرایط استفاده از این روش و شیوه‌های نماد گذاری مناسب هر یک از ویراست‌های آن به درستی وجود ندارد که در نتیجه هم از ویراست قدیمی برای تحقیق استفاده می‌شود و هم شیوه‌ی نماد گذاری به روز (مطابق ویراست ساختارمند) نیست. در نتیجه نظریه

با نظر و دیدگاه یکدیگر موافق هستند. چرا که این توافق در صورت بود، راز پنهانی است که محقق باید آن را با روش‌های علمی کشف و گزارش کند. اشباع نظری از یافته‌های تحقیق با استفاده از نظریه پایه ورست اما کافی نیست. چرا که یافته‌ها باید به آستانه سودمندی برسند. منظور از آستانه سودمندی در تحقیق کیفی این است که مفهوم‌ها به درستی و با کم‌ترین خطای ممکن در بیش‌ترین نقش را در ساخت مقوله‌ها و مقوله‌ها نیز به نوبه خود با کم‌ترین میزان خطا با بیش‌ترین شمار ممکن با ساخت نظریه نهایی تحقیق ارتباط آماری معنی داری داشته باشند.

برای کشف این ارتباط آماری باید از یکی از روش‌های آمار توصیفی یعنی روش تحلیل عاملی تشخیصی که سه نقش اساسی را در تحقیق ایفا می‌کند استفاده شود. نقش نخست، شناخت میزان ارتباط مفهوم‌ها (متغیرها) با عامل (مقوله) و نقش دوم، پالایش متغیرهایی که نمی‌توانند در ساخت عامل نقش معنی دار داشته باشند و بالاخره نقش سوم، نیز در این روش دست یابی به بیش‌ترین مقوله‌ها از راه تجمیع مفهوم‌ها با استفاده از چرخش عاملی به روش مناسب است.

هنگام که بیش‌ترین شمار مقوله (عامل) استخراج شوند تحقیق به سودمندی رسیده و محقق می‌تواند به روشی که برای رسیدن به اجماع در گام بعد می‌آید نظریه قابل قبول و تایید جامعه علمی را تدوین و ارائه نماید.

اما برای رسیدن به سودمندی نخست باید داده‌ها را پردازش کرد و با استفاده از آمار توصیفی پیش‌نیاز ماتریس همبستگی و تحلیل عاملی تشخیصی از جمله رتبه بندی بر پایه ضریب تغییراتف مهم‌ترین گویه‌ها یا مفهوم‌ها را استخراج کرد تا در مرحله مقوله سازی مورد استفاده قرار گیرند. برای مقوله سازی نیز باید بدون دخالت دادن سلیقه و با ترجیح محقق در استخراج مقوله

ای که استخراج می‌شود اعتبار لازم را ندارد گو این که این گونه مقاله‌ها در برخی مجله‌های علمی بدون توجه به این نارسایی‌ها منتشر می‌شوند.

## ۶- شیوه درست پردازش داده‌ها و دست یابی

### به خط داستان (پیرنگ)

داده‌های گرد آمده در تحقیق به شکل اولیه خام هستند و چیزی از آن‌ها برداشت نمی‌شود یا پیرنگی از آن‌ها ساخته نمی‌شود. اما، هنگامی که پردازش یا فرآیند می‌شوند می‌توان حس یا حقیقتی که در آن‌ها نهفته است را آشکار کرد و منعکس نمود. هر کاری یا رخ دادی که از اجزا (داده‌ها) و پردازش آن‌ها به شکل بتواند مخاطب را به حقیقتی برساند پیرنگ نامیده می‌شود. پیرنگ یا خط داستان که در روش نظریه پایه ور مطرح است مجموعه رخدادهایی هستند که محقق را به حقیقتی آگاه کنند تا به این شکل تصمیم برای نظریه سازی بر پایه حقیقت انجام شود. تصمیمی که بر پایه پیرنگ منجر به حقیقت نباشد به زودی با شکست رو به رو می‌شود و تصمیم گیرنده و مجری تصمیم را یکجا زیر سوال می‌برد. از این روست که داده‌ها باید در روند پردازش و محقق باید در روند و سازو کار انجام تحقیق به سرنخ (پیرنگ) هایی دست یابد که او را به حقیقت مورد انتظار در تحقیق برسانند. متأسفانه در بسیاری از مقاله‌های تحقیق‌های انجام شده با روش نظریه پایه ور، خط داستان یا پیرنگی که بتواند محقق را به حقیقت برساند ناروشن هستند و نگارنده فقط به استخراج ناقص مقوله‌ها از مفهوم‌ها اکتفا کرده و حتی نظریه ای را هم نساخته که به عنوان دست‌آورد این روش تحقیق کیفی قابل توجه و شایسته دفاع باشد

## ۷- دست یابی به آستانه سودمندی

ممکن است در جریان گرد آوری و نشان گذاری داده‌ها اشباع نظری پدید آید اما، این اشباع نظری به این معنا نیست که همه شرکت کنندگان در داده دهی،

ها، از روش آماری تحلیل عاملی تشخیصی استفاده کرد که داده‌ها را به آستانه سودمندی می‌رساند. به این معنا که متغیرها یا مفهوم‌هایی که در فرایند ساخت عامل یا مقوله به لحاظ آماری با هم همبستگی ندارند و بار عاملی کم‌تر از ۱ را دارند از مجموعه‌ی مفهوم‌ها حذف می‌شوند و فقط متغیرها یا مفهوم‌هایی می‌مانند که این دو ویژگی را داشته باشند. این گام نخست برای دست‌یابی به آستانه سودمندیست که متاسفانه بسیاری از محققان در تحقیق کیفی به روش نظریه پایه و آن را نادیده می‌گیرند و یا در صورت استفاده به یافته‌های این گام بسنده می‌کنند. در حالی که انجام تحلیل عاملی توصیفی برای پالایش متغیرها و دست‌یابی به عامل‌ها (مقوله‌ها) در سه مرحله انجام می‌شود نخست راستی‌آزمایی متغیرها یا مفهوم‌ها، دوم تشخیص عامل‌ها و دست‌یابی به آستانه سودمندی و سوم استخراج شمار نهایی و نام‌گذاری عامل‌ها که مرحله‌ی اخیر با چرخش عاملی به یکی از سه روش متداول آن انجام می‌شود و داده‌ها را پس از گذر از آستانه سودمندی به سودمندی یا بهینه‌سازی (استخراج بیش‌ترین و موجه‌ترین مقوله‌ها) می‌رساند. انجام این سه مرحله به یقین برای پالایش داده‌ها، پیش از ساخت نظریه یا قضیه، به جد لازم هستند. چرا که ساخت نظریه یا قضیه یافته نهایی تحقیق با روش نظریه پایه ورست و اگر ناخالصی‌ای در داده‌ها باشد بی‌تردید از اعتبار و درستی نظریه‌ای که استخراج می‌شود کاسته می‌شود.

#### ۸- تدوین مدل نظر

بارها در باره مدل نظری تحقیق؛ اهمیت، ضرورت، نقش و شیوه تدوین و تطبیق آن در کتاب‌های روش تحقیق پیش‌رفته توضیح داده شده‌اند. به عنوان یکی از نارسایی‌های تحقیق به شیوه نظریه پایه و اینک لازم است به محققانی که از این روش استفاده می‌کنند تاکید شود که تحقیق با نظریه پایه و بدون تدوین و تطبیق

مدل نظری تحقیق نتیجه بخش نیست چرا که پیرن یا خط داستان فقط در مدل نظری است که نمود پیدا می‌کند و به مخاطب نشان دهد که این همه تکاپوی تحقیقاتی چه سر‌نخ‌هایی از حقیقت را آشکار می‌کنند. معیار و یا ملاکی برای تولید نظریه‌ای که می‌خواهند با این روش معرفی کنند در تحقیقشان وجود ندارد.

مدل نظری مشهود کننده مفهوم‌ها یعنی، خرده‌هایی از حقیقت است که محقق با داده‌پردازی مناسب در تحقیق خود درک کرده. با بررسی داده‌های نماد‌گذاری شده داده‌هایی که یک مفهوم را در بر دارند در یک دسته قرار داده می‌شوند و برای آن دسته نشان معنا‌داری به شکل عدد یا حرف یا حتی یک واژه یا عبارت داده می‌شود. تشخیص این که کدام مفهوم با کدام مفهوم هم معنا هست برعهده پژوهشگر است نه داده‌پرداز، چرا که اگر پژوهشگر خود داده‌ها را پردازش کند بهتر و درست‌تر می‌تواند نشان‌گذاری را انجام دهد و در نتیجه با کشف پیرنگ یا خط داستان، حقیقت مورد نظر تحقیق را دریابد و آشکار کند.

به این ترتیب شماری از داده‌ها در یک مقوله جای می‌گیرند و نشان ویژه‌ای توسط محقق به آن داده می‌شود. نشان‌ها باید عصاره‌ی داده‌های همگون باشند و به گونه‌ای ساخته شوند که معرف آن زمینه (مقوله)‌هایی باشند که در متن پاسخ‌ها و محتوای مصاحبه‌ها پنهان بوده و پژوهشگر در داده‌ها دیده و با برداشت شخصی و نشان‌گذاری، آن را از هم جدا و آشکار کرده است. پس، محقق باید به وسیله مفهوم‌های همگونی که ردیف می‌کند درکی از رابطه بین مفهوم‌ها بیابد که او را به سمت حقیقتی که در پی بر ملا کردنش است هدایت می‌کنند. ردیف کردن اجزایی از یک رخداد که به درک حقیقت کمک کند خط داستان یا پیرنگ گفته می‌شود.

مدل نظری به معنای انگاره‌ای ترسیمی از مفهوم‌های (نوع و جایگاه) مرتبط با هم در ساخت مقوله‌ها و ارتباط

به نقشه راه یکسان مورد تایید همگان (در زمینه تحقیق) است اشاره شود.

#### ۹- همگانیش یافته نهایی

روشن است که بالاخره باید از داده‌های گرد آوری شده یک نتیجه‌ی واحد گرفته شود تا نظریه ای که در پایان شکل می‌گیرد برای همه یک معنا و مفهوم را داشته باشد. از این رو برای دست یابی به هم‌رایی یا اجماع در یافته‌ها شایسته تر آن است که کار نشان گذاری با نرم افزارهای طراحی شده برای این کار مانند MAXQDA یا ATLAS/TI و ENVIVO انجام شود. برای درک بهتر کاربرد MAXQDA به Seyedan, et.al. بنگرید. در این مرحله از نشان گذاری پرسش‌هایی به شرح زیر مطرح است که باید به آن‌ها پاسخ داده شود تا راه برای تدوین نظریه با پاسخ‌هایی که داده می‌شود هموار شود.

- این داده‌ها برای چه مطالعه یا تحقیقی هستند؟
- این داده‌ها به پژوهشگر چه پیشنهاد میکنند؟
- از چه دیدگاهی این داده‌ها مطرح شده و چه پیشنهادها یی را ارائه می‌کنند؟
- چه رده یا ردیف نظری ای را این داده‌ها مشخص می‌کنند؟
- مدل خروجی نرم افزار چه تصویری از حقیقت را برای چه مقصودی نشان می‌دهد؟
- تطبیق مدل نظری با مدل نرم افزاری چه ناترازی‌هایی را بین آن‌ها نشان می‌دهد و کدام ناترازی با مدل نرم افزاری قابل رفع یا چشم پوشی است؟
- مدل خروجی نرم افزار کیفی پرداز بر خلاف مدل نظری که گمانه ایست تصویری با استدلال آماری در جهت تولید نظریه مورد انتظار محقق ارائه می‌دهد که در رفع آخرین نارسایی روش نظریه پایه ور به ساخت نظریه می‌انجامد.

#### ۱۰- ساخت نظریه

آخرین نارسایی روش نظریه پایه ور که تا کنون توسط

مقوله‌ها با هم در ساخت قضیه و در جمع نشانگر نظریه مورد انتظار محقق برای ارایه است. از این رو محقق صرف نظر از راهی که داده‌ها را فراهم می‌آورد باید در ذهن و فکر خود این داده‌ها را پردازش و با ژرف نگری به ارتباط آن‌ها پی‌ببرد و دریافت‌های (مفهوم‌های) ذهنی خود را به مشهود (دیدنی) در قالب یک انگاره یا مدل گمانه‌ای ترسیم کند. یا به عبارتی نقشه راهی برآوردی برای ساخت نظریه مورد انتظار از تحقیق را ترسیم کند. این نقشه یا انگاره دست کم باید پنج نشان داشته باشد: نخست؛ مفهوم‌ها یا متغیرها، دوم؛ جایگاه آن‌ها، سوم؛ رابطه آن‌ها با دیگر مفهوم‌ها یا متغیرها و مقوله/ها، چهارم؛ سمت و سوی علی بین این مفهوم‌ها و مقوله‌ها و بالاخره، پنجم؛ شدت ارتباط‌ها. برای درک بهتر این مطلب به میرزا پور و همکاران (۱۴۰۰)، Ashkar, et.al. (2019) بنگرید.

با بررسی هر منبع اعم از انسانی یا انتشاراتی که محقق از آن داده می‌گیرد داده‌ها در روش پردازش زنده نشان گذاری می‌شوند و در پایان جمع بندی و از آن نتیجه گیری می‌شود. به همین ترتیب تا دست یابی به اشباع نظری این کار ادامه می‌یابد. اینک نوبه به پیاده سازی ذهنیت‌هایی که از این کار فراهم کرده کروکی یا نقشه راه ارتباط اجزای اطلاعاتی را که به دست آورده ترسیم می‌کند و ادعا می‌کند که این نقشه چکیده مفاهیمی است که او توانسته از داده‌ها و پردازش و تحلیل آن‌ها فراهم کند. نمونه‌های فراوانی از این مدل‌های نظری را می‌توان در پایان فصل دوم (مطالعات نظری و مروی ادبیات تحقیق) پایان نامه‌ها/رساله‌ها و گاهی هم در گزارش محققان موسسه‌های تحقیقاتی دید.

روشن است که هر محقق که این تحقیق را تکرار کند به نقشه راهی دست می‌یابد که با نقشه راهی که دیگران با تکرار همان تحقیق تولید کرده اند ناترازی‌هایی دارد. برای رفع این ناترازی‌ها لازم است در ادامه به نهمین نارسایی روش نظریه پایه ور که دست یابی

یا استخراج نظریه قابل آزمون علمی نینجامد تحقیق بی ارزش خواهد بود. چرا که نظریه تولید یا استخراج شده در فرایند تحقیق کمی است که به شکل فرضیه/های تحقیق در می آید و قابل آزمون کردن است که ممکن است در روند میدانی تایید شود و یا تایید نشود. اما تحقیق میدانی با آمار استنباطی نمی تواند بدون بهره گیری از یافته‌های نظری به ویژه نظریه/ها یی که به روش نظریه پایه ور تولید می شوند انجام شود که همین همجکایت از اهمیت و نقش پایه ای تحقیق کیفی به روش نظریه پایه ور را بیش از پیش روشن می کند.

بنا بر آن چه که در این نوشتار ارایه شد، انتظار بر این است که محقق/ان، زمین پس با دقت بیش تری از روش نظریه پایه ور استفاده کنند و در تحقیق و تحلیل خود افزون بر رعایت آنچه که در منبع‌های نظریه پایه ور آمده است این ۱۰ نارسایی را نیز برطرف کنند و اطمینان داشته باشند که در تحقیق خود از این بابت به حقیقت نزدیک تر خواهند شد و یافته‌های تحقیقشان جامعیت و پذیرش پذیری بسیار بهتر خواهند داشت.

### پی‌نوشت

- Speech to Text (StT)

نگارنده دریافت شده نا روشنی فرایند ساخت نظریه ایست که باید از این روش تحقیق استخراج شود. ساخت نظریه یک برداشت تحلیلی و برهانی علمی است که محقق از آن چه که در تحقیق انجام داده ارایه می دهد و البته باید برای احراز وجاهت و کفایت آن توضیح‌های منطقی و قابل تایید داشته باشد. برای این کار محقق باز هم با ژرف اندیشی بارها مدل نظری و مدل نرم افزاری را مقایسه و بین گمان خود (در مدل نظری) و آن چه که با افزارگانی اندازه گیری شده و قابل استدلال است برآزش می کند تا در نهایت به نتیجه قابل دفاعی دست یابد و آن را بنگارد. این روند که تحلیلی مقایسه ای از مدل نظری و مدل نرم افزاربست و رخ نمای نظریه مورد انتظار است بر عکس آن چه در تولید مدل نظری به شکل ترجمان مفهوم به مشهود انجام شد در این جا ترجمانی از مشهود به مفهوم است به این معنا که محقق دست‌آورد نگاره ای مقایسه مدل نظری و مدل نرم افزاری را به شکل نوشتار ارایه می دهد و در این کار نظریه ای را که باید از تحقیق خود استخراج کند را گام به گام می سازد و تحقیق به هدف نهایی خود می رسد.

### نتیجه‌گیری

توجه داشته باشید که روش نظریه پایه ور اگر به تولید

### منبع‌ها

- میرزا پور، و. ملک محمدی، ا. حسینی، م. (۱۴۰۰). مدل ساختاری ترویج و آموزش مدیریت ضایعات کشاورزی. مجله پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی. (۱۴) ۲. ۳۲-۹.
- نظارتی زاده، ع. (۱۳۹۱). سیری در شناخت شناسی معاصر. بر گرفته در تاریخ ۱۹ شهریور ۱۴۰۲  
<https://rasekhoon.net/article/show/627903/>
- Ajeey. (2021). Introduction to Epistemology, Ontology and Axiology in Philosophy. Retrieved on Jun 3. 2022 from: [https://medium.com/@softdev\\_ajay/introduction-to-epistemology-ontology-and-axiology-in-philosophy](https://medium.com/@softdev_ajay/introduction-to-epistemology-ontology-and-axiology-in-philosophy).
- Ashkar Ahangarkolae, M. Malek Mohammadi, I. Hosseini, S. M. (2019). Theoretical extension education modeling of citrus culture development in Iran citrus pole. Bulgarian Journal of Agricultural Science. Bulgarian Journal of Agricultural Science, 25 (4): 677-684
- Brynot, A. in Leavy, P. (2020). The Oxford Handbook of Qualitative Research. 2nd Ed. Oxford University Press. USA.
- Chesky, N.Z., Wolfmeyer, M.R. (2015). StEM's What, Why, and How? Ontology, Axiology, and



Epistemology. In: *Philosophy of StEM Education: A Critical Investigation. The Cultural and Social Foundations of Education*. Palgrave Pivot, New York.

Justice Inquiry in Denzin, K. N. Lincoln, Y. S. (2018). *The Sage Hand Book of Qualitative Research*. SAGE Publication, Los Angeles. USA. <https://fidibo.com/book/111521>

Leavy, P. (2014). Editor. *The Oxford Handbook of Qualitative Research*. Oxford University Press 2014. USA.

Malakmohammadi, I. (2008), Variable Refinery Process to Ensure Research Unbiasedness (validity) and Invariance (Reliability) In *Agricultural Extension and Education*. American Journal of Agricultural and Biological Science. 3(1): 342-347. Science Publication. N.Y. The USA.

Parameswaran, D. U. Ozawa-Kirk, J. L. and Latendresse, G. (2019). To live (code) or to not: A New Method for Coding in Qualitative Research. *Journal of Qualitative Social Work*. 19(4): 630-644.

Ritchey, F. (2007). *The Statistical Imagination: Elementary Statistics for the Social Sciences*. McGraw-Hill Education. Retrieved from: <https://book.douban.com/subject/2891895/>

Saldana, J. (2014). *The Coding Manual for Qualitative Researchers*. SAGE Publication. Los Angeles. USA.

Saldana, J. (2014). *The Coding Manual for Qualitative Researchers*. SAGE Publication. Los Angeles. USA.

Seyedan, N. Malek Mohammadi, I. Hosseini, J, F. Moghadasi و R. (2021). Theoretical Model Development for Agricultural Extension in Iran's Resistive Economy. *International Journal of Agricultural Science, Research and Technology (IJASRT)*. 11(3).

Tie, C. Y., Birks, M., Francis, K. (2019). *Grounded theory research: A design framework for novice researchers*. Sage Open Medicine. Sage Publications.

Wolvius, C. (2020). Predict the future, understand the past: the four types of data analysis. Retrieved on Aug. 17, 2022 from: <https://datajourney.akvo.org/blog/the-four-types-of-data-analysis>

## Grounded Theory Evolution, Failures Abolition and Optimization

Iraj Malek Mohammadi

Professor, Department of Agricultural Extension Education, Faculty of Agriculture, University of Tehran., Iran

### Abstract

Gaining cognition and awareness from the world is one of the procedures of acquiring knowledge from the essentialism viewpoints applying qualitative research. There are considerable numbers of specific do's and don'ts (regulations) applying qualitative research paradigm to secure appropriate knowledge, awareness and values of cognition. Conducting qualitative research under the stipulation of detection and application of appropriate research method, including grounded theory (GT), with highly valuable findings can provide stable basis for the quantitative research paradigm faze. Ontology, epistemology, methodology and method's insufficiency or misapplication create invalid and unjustifiable research findings. Insufficiency and inappropriate use of GT as one of the ontological methods grounded this article to acquaint researchers with appropriate application of this method in their research. Inspecting considerable numbers of article in which GT was applied as per literature of this method, along with investigating GT method failures in these article motivated the author to investigate related literature through evolutionary approach and critical hermeneutic analysis detect 10 failures in this theory that none of them has been mentioned in GT literature so far. As the result these 10 issues are: precise identification of experts and subject matter specialists, experts and specialists footing, fitness of the research method and data collection tools, applying experts' conformity measurement, harmony of coding procedure and GT type, accurate data processing procedure, approaching the usefulness threshold, developing theoretical model, achieving findings generalizability, and finally, producing and/or exploring reliable theory. Editorial appraisal approach of the articles developed applying GT showed that almost all of the coding procedures fit the evolutionary version as; open, axial and selective while all of the authors of the articles index Glaser and Strauss who developed traditional version of GT for coding. Therefore it seems that there is not sufficient awareness of GT application and coding exigencies. Hence, while traditional GT version is referred, coding procedure is not up to date. Therefore, the outcome theories won't be as reliable as should be where as unfortunately, these articles are being published regardless of their shortcomings.

**Index Terms:** Grounded Theory, coding, Theory generation, Profitability Threshold, GT evolution.

**Corresponding author:** Iraj Malek Mohammadi

**Email:** amalek@ut.ac.ir

**Received:**2023/08/23

**Accepted:**2023/09/22